

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه فنون بلاغت در زبان عربی

نویسندگان:

دکتر مهدی زمانی

«عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایزده»

دکتر محمد حسین اشرف

«مدرس دانشگاه آزاد اسلامی»

سرشناسه	: زمانی، مهدی، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه فنون بلاغت در زبان عربی / نویسندگان مهدی زمانی، محمدحسین اشرف.
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۹-۹۸۴-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: زبان عربی -- معانی و بیان
موضوع	: Arabic language -- Rhetoric
شناسه افزوده	: اشرف، محمدحسین، ۱۳۵۴ -
رده بندی کنگره	: ۳۷۳/۰۳۹۷۲۰۲۸PJA
رده بندی دیویی	: ۴۹۲۷/۸۰۸
شماره کتابشناس ملی	: ۵۲۶۴۴۸۰

مجموعه فنون بلاغت در زبان عربی

تألیف: دکتر مهدی زمانی - مترجم محمدحسین اشرف

صفحه آرا و طراح جلد: مهدی رحیمی گل سفیدی

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۹-۹۸۴-۲

چاپ و نشر: نوروزی-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا(ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۶
بخش اول: فصاحت و بلاغت	۳۹
فصل اول: فصاحت	۳۹
فصاحت کده	۴۰
کلام فصیح	۴۶
فصاحت متکلم	۵۰
فصل دوم: بلاغت	۵۱
بلاغت کلام	۵۱
بلاغت متکلم	۵۳
بخش دوم: علم معانی	۵۵
فصل اول: کلام خبری	۵۷
اقسام خبر	۵۸
اغراض جمله خبری	۵۸
شیوه‌های القاء خبر	۶۱
فصل دوم: کلام انشائی	۶۳
فصل سوم: قصر	۷۶

۸۰	فصل چهارم: وصل
۸۲	فصل پنجم: فصل
۸۶	فصل ششم: مساوات، ایجاز و اطناب
۹۷	بخش سوم: علم بیان
۹۸	فصل اول: تشبیه
۱۰۹	فصل دوم: حقیقت و مجاز
۱۱۵	فصل سوم: استعاره
۱۲۱	فصل چهارم: کنایه
۱۲۷	بخش چهارم: علم مدح
۱۲۹	فصل اول: محسنات یا آرایه‌های معنوی
۱۴۴	فصل دوم: محسنات یا آرایه‌های لفظی

مقدمه

ارزش و اهمیت علوم و فنون بلاغت در شناخت اعجاز قرآن

اعجاز و معجزه در لغت

اعجاز از ریشه عجز به معنی ضعف و ناتوانی است و اعجاز از باب افعال به معنی اثبات عجز و ناتوانی دیگران است. معجز و معجزه اسم فاعل از اعجاز به معنی عاجز کنده و عمل یا چیزی که به منظور اثبات عجز و ناتوانی دیگران ارائه می شود.

اعجاز در اصطلاح بلاغت علم کلام

در بحث توحید و نبوت و رسالت پیامبران اعجاز بدان معنی است که باری تعالی به منظور اثبات صحت رسالت و صدق دعوت فرستادگان خود، آنان را با قدرتی خارق عادت و خارج از توان انسان های عادی همراه می سازد، قدرتی که نشان آسمانی بودن دعوت و پیام فرستادگان است. به بیان دیگر خداوند پیامبران خود را با پدیده ای همراه می سازد که فرستد که دیگران در برابر آن پدیده عاجز و ناتوان باشند.

هماهنگی معجزه با فرهنگ، علوم و فنون زمانه. یکی از ویژگی های آن با وضعیت زمانه است به این معنی که در میان مردمی که پیامبران خدا را از بین آنان انتخاب شده به سوی آنان مبعوث می گردند- در زمینه کبر اعجاز آمیز و معجزه فرستادگان آگاهانی وجود داشته باشد تا خارق عادت بودن آنچه پیامبران ارائه می کنند مشخص گردد. از آیه شریفه: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه، ابراهیم، ۴» می توان استفاده کرد که هریک از پیامبران با زبان و فرهنگ قوم خود فرستاده شده اند زیرا لازمه اثبات عجز مخاطبان، آن است که در میان آنان افراد ماهر در زمینه عمل اعجاز آور و در زمینه معجزه وجود داشته باشد و الا اثبات ناتوانی و عجز آنان بی معنی است، چنانکه اگر کسی در مسائل پزشکی مدعی

مهارت و تجارب بالا و منحصر به فرد گردید و ادعا کرد که معالجات معجزه آسا از او ساخته است صدق ادعای او هنگامی قابل پذیرش بوده و ثابت می شود که در برابر او طبیبان ماهر و رقیبان سرسخت و متخصص در همان رشته صف کشیده باشند، زیرا چنانچه جز او پزشک دیگری وجود نداشته باشد، تشخیص مهارت و صدق ادعای او محال است. از این روی همانگونه که از تاریخ انبیاء و قصص پیامبران برمی آید، اعجاز و ارائه اعمال خارق عادت از سوی تمام فرستادگان الهی با فرهنگ ایچ مردمی که از میان آنان برگزیده شده اند متناسب است. بدین معنی که پیام ران اولوالعزم با معجزه هایی مبعوث گردیده اند که در محیط ظهور و رسالت آنان نه تنها ایچ و شناخته شده بوده است بلکه بسیاری بوده اند که در زمینه آن کارها مهارت و تخصص داشته اند و باریتعالی پیامبران خویش را قدرتی عطا فرموده و همراه با معجزه ای مبعوث کرده است که مخاطبان ماهر و متخصص در آن، در برابر پیام ران اظهار عجز کرده و اکثرا سر تسلیم فرود آورده اند. این ویژگی در رسالت انبیاء به سبب نبوی مشهود است و چنانچه خواهیم دید هریک از آنان با معجزه ای همراه بوده اند که امت و جامعه آنان با آن معجزه آشنایی کامل داشته اند و بسیاری از آنان هنگامی که دریافتند که اعجاز و معجزه از سوی آفریدگار به پیامبر داده شده است بر برابر او تسلیم شده و به عجز خویش اعتراف کردند.

به عنوان مثال حضرت موسی (ع) در محیط و در میان مردمی مبعوث گردید و مأموریت یافت که معجزه های او با مهارت های آن مردم تناسب داشته باشد. دوران رسالت و بعثت حضرت موسی (ع) با عصر حکومت جابرانه فراعنه مصادف بود. در عصر فراعنه سرزمین مصر مرکز سحر و جادو در جهان آن روز محسوب می شد و استادان این فنون همه در آن منطقه گرد آمده بودند و با معلومات خود در خدمت آن سلسله به سر می بردند. حضرت موسی (ع) از جانب خداوند مجهز به ابزاری بود که تمام ساحران ماهر با تمام تسلطی که به کار خود داشتند در برابرش زانو زده، به عجز و ناتوانی خود اعتراف کردند، چنانکه قرآن کریم بدان

تصریح کرده است: «و اوحینا الی موسی ان الق عصاک فاذا هی تلقف ما یأفکون * فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون * فغلبوا هنالک و انقلبوا صاعرین * و القی السحرة ساجدین * قالوا آمنا برب العالمین * رب موسی و هرون». ^۱ ساحران با غرور و اطمینان از آنکه آنچه موسی از عصا و ید بیضا نشان می دهد سحر است به میدان آمدند ولی عصای او به امر خدا همه ماحصل سحر ساحران را بلعید و بطلان سحرشان را آشکار ساخت. ^۲ تمام آیات و روایاتی که درباره ی رسالت حضرت موسی (ع) و اعمال خارق عادت و اعجاز او وارد گردیده متضمن ارائه معجزه رزمینه ای است که در آن ها صدها نفر متخصص و اهل فن وجود داشته است و در فن خود از چنان مهارتی برخوردار بودند که به راحتی می توانستند بین سحر و معجزه الهی تفاوت بگذارند و آنها را از یکدیگر بازشناسند.

حضرت عیسی (ع) نیز با معجزه ای مبعوث گردی و کار فوق العاده ای را نشان داد که مردم عصر او با آن کار آشنایی کامل داشتند و همچنین در محیط رسالت او متخصصان فراوانی در آن عصر با آن کار آشنایی کامل داشتند و همچنین در محیط رسالت او متخصصان فراوانی با آن کار وجود داشت. تولد حضرت عیسی (ع) که بر مبنای آیه ی شریفه ی «ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب ...» ^۳ از طریق معمول خارج بوده، خود معجزه ای است جدا ولی آنچه شاهد بحث ما می باشد آن است که عصر موسی (ع) در همان محیط و رسالت او و محیط و

^۱ و به موسی وحی کردیم که عصای خود بیفکن، پس ناگهان عصای او تمام آنچه را به روغ نشان می دادند (سحر دروغین آنان) فرو برد. پس حق و حقیقت ثابت گردید و بطلان آنچه آنان انجام می دادند آشکار گردید (حق به وقوع پیوست و کار دور از حقیقت آنان باطل گردید). پس شکست خوردند و مغلوب گشتند و با حالت سرافکننده و خجالت زده باز گردیدند و جادوگران به حالت سجده به خاک افتادند. گفتند ما به خدای جهانیان ایمان آوردیم، خدای موسی و هارون (اعراف، ۱۱۷-۱۲۲).

^۲ برای آگاهی بیشتر به تفاسیر قرآنی، به ویژه تفسیر گارز، ج ۷، ص ۱۵۵ و تفسیر آیات ۴۵ و ۴۶ از سوره شعراء مراجعه شود.

^۳ همانا به راستی مثل عیسی بن مریم مثل آدم است که خداوند آدم را از خاک بیافرید (آل عمران، ۵۹).

سرزمینی که در آن مأمور به تبلیغ گردید عصر رونق و رواج علم پزشکی و اوج ترقی این علم بود. خداوند قدرت و نیرویی به حضرت عیسی (ع) عطا فرمود که نه تنها نفس و دم او بیماران سخت را مداوا می کرد بلکه مردگان را نیز جان می بخشید و حیات می داد: «... و ابرئ الاکمه و الابرص و احی الموتی باذن الله و انبئکم بما تاكلون و ماتدخرون فی بیوتکم ان فی ذلک لآیه لکم ان کنتم مومنین»^۴.

معجزا پیامبر اکرم (ص) نیز معجزه ای متناسب با شرایط محیط و وضعیت زمانه- از جهت رواج شعر و شاعری- در نظر گرفته شد. به همین ترتیب البته این کتاب آسمانی از جهات شواگون دارای اعجاز است. اما یکی از آن جهات پدیده و موضوعی است که به سرزمین نزول قرآن و جامعه مردمی که پیامبر اکرم (ص) از میان آن انتخاب و به رسالت مبعوث گردید، ارتباط دارد به این صورت که در آن جامعه مردم از مهارت و تخصص در حد شناخت اعجاز و خارق العاده بودن قرآن برخوردار بودند. یعنی فن سخن و سخنوی که سرودن انواع شعر و ایراد خطبه تجلی می یابد، در عربستان از رواج خاص برخوردار بود و متناسب با چنین درکی معجزه پیامبر اکرم از جنس کلام فصیح و بلیغ را قالب آیات موزون و آهنگین و سوره های منسجم و هماهنگ- به ویژه در سوره عنکبوت گردید. در این عرضه، شاخص ترین وجه اعجاز قرآن بدون تردید فصاحت و بلاغت قرآن و به عبارت دیگر اعجاز لفظی آن است. ولی به دلیل آنکه مخاطب قرآن عموم خاص و سرزمین مخصوصی نمی باشد و برای هدایت تمام عالم فرود آمده بجا است که با اعجاز آن در جهات دیگر و تحدی به آن بیشتر آشنا شویم، از این روی پیش از توجه به اعجاز لفظی قرآن اشاراتی کوتاه به وجوه دیگر اعجاز خواهیم داشت.

^۴ و به اذن خدا نابینای مادرزاد و پیری را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می کنم و شما را از آنچه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم؛ مسلما در این معجزات برای شما عبرت است اگر مومن باشید (آل عمران، ۴۹).